

نقش آفرینی اجتماعی زنان در بستر خانواده با تأکید بر الگوی فاطمی از زن

امید قربانخانی^۱، سیده فاطمه موسوی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۵

مقاله پژوهشی

چکیده

نقش اجتماعی زنان به معنای نقش زنان در اموری است که سرنوشت جامعه را تعیین می‌کند. این موضوعی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده و درباره آن نظرات مختلفی مطرح شده است. بسیاری از دیدگاه‌ها، نقش اجتماعی زن را در تقابل با نقش خانوادگی او فرض کرده و تلاش کرده‌اند تا راهکارهایی برای جمع میان آن‌ها ارائه دهند. این نگرش سبب شده است که همواره زنان بر سر دوراهی انتخاب قرار گیرند و مجبور شوند یک نقش را بر نقش دیگر ترجیح دهند. بر اساس چنین چالشی، پژوهش حاضر به بررسی این مسئله می‌پردازد که بانوان خانه‌دار چگونه می‌توانند مبتنی بر الگوی فاطمی از زن، تأثیرگذاری اجتماعی داشته باشند؟ روش پژوهش با توجه به ماهیت موضوع توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از داده‌های کیفی به دست آمده از مطالعه تجربه زیسته مادران و زنان خانه‌دار در دهه‌های گذشته و تکیه بر سبک زندگی حضرت زهرا (ع) به نقش اجتماعی زنان پرداخته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که خانه‌داری مجموعه‌ای از مدیریت‌ها از جمله: همسراری، فرزندداری، همسایه‌داری، فامیل‌داری، ... است که از طریق آن‌ها امکان تأثیرگذاری‌های عمیق در لایه‌های زیرین جامعه وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: زن مسلمان، خانه‌داری، نقش اجتماعی، تأثیرگذاری اجتماعی، سیره حضرت زهرا (ع).

۱. استادیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بو علی سینا، همدان،

o.qorbankhani@basu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران

matinsadatfatemi@gmail.com



مقدمه

حضور و نقش اجتماعی زنان به عنوان بخش مهمی از جامعه، در طول تاریخ بشر قابل انکار نیست. اما تفسیر این حضور در جوامع و اعصار مختلف، متفاوت است. در قرون اخیر بخصوص، پس از شکل‌گیری انقلاب صنعتی در جوامع غربی معنای خاصی از حضور اجتماعی زنان ارائه شده است. در ابتدا این حضور با فعالیت اقتصادی زنان در کارخانجات صنعتی به عنوان کارگران ارزان‌تر از مردان رواج یافت و در ادامه صورت‌های مختلفی از این حیات اجتماعی شکل گرفته است که تفاوت معناداری با حیات اجتماعی پیشین زنان دارد. در حالی که پیش از این فعالیت اجتماعی و اقتصادی زنان در حیطه محیط خانوادگی خود تعریف می‌شد. این تغییر در ساحت‌های مختلف جوامع اسلامی هم رواج یافته و فهم جدیدی از فعالیت اجتماعی زنان، تحت تاثیر مدرنیته شکل گرفته است به گونه‌ای که سبک زندگی قدیم و به خصوص خانه‌داری امری بی‌ارزش و یا کم‌ارزش محسوب می‌شود. جامعه‌شناسان غربی نقش زنان در خانواده و جامعه را بیشتر در قالب نظریه‌های فمینیستی و با تأکید بر برابری جنسیتی و عدالت ساختاری مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها اغلب نقش زنان در خانه را کاری غیر قابل پرداخت و نادیده گرفته شده می‌دانند که زنان را در موقعیتی نابرابر نسبت به مردان قرار می‌دهد. (Hochschild & Machung، ۲۰۱۲، p45). نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت افراد و انتقال ارزش‌ها دارد، بررسی نقش اجتماعی زن در این فضا می‌تواند روشنگر اهمیت نقش اجتماعی آنان در خانواده باشد.

درباره نقش اجتماعی زنان پژوهش‌های متعددی انجام شده است. مهم‌ترین آثار علمی نزدیک به موضوع این نوشتار عبارت است از جلد پنجم از مجموعه پنج جلدی نقش و رسالت زن به نام «عرصه‌های حضور اجتماعی زن» نوشته امیرحسین بانکی پور منفرد که بیانات مقام معظم رهبری را در آن جمع‌آوری کرده است، «زن در اجتماع» نوشته سیدجعفر حق شناس، ایشان به نقش‌آفرینی اجتماعی زنان خانه‌دار و تأثیری که ایشان می‌توانند در تحولات اجتماعی جامعه داشته باشند اشاره کرده و از آن با عنوان تأثیرگذاری اجتماعی غیرمستقیم نام برده است (حق شناس، ۱۳۹۰، ص ۱۲). کتاب «حضور اجتماعی و نقش‌های زنانه» نوشته امین کشوری. از

میان مقالات منتشر شده می توان به مقاله «واکاوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت الله خامنه ای» نوشته منصوره لولاآور، و راضیه شاهمرادی زواره که در فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان چاپ شده است اشاره کرد. با وجود آثار ذکر شده که تاکنون درباره نقش اجتماعی زنان نگاشته شده است، مقاله حاضر در روش پژوهش و نتایج به دست آمده از آن، دارای تفاوت هایی است. این نوشتار با تکیه بر سیره و کلام حضرت زهرا علیها السلام به عنوان والاترین الگوی زن مسلمان و با تکیه بر تجربه زیسته مادران و زنان خانه دار به این مهم پرداخته است. هم چنین تبیین آثار و نتایج اجتماعی که عملکرد زنان در بستر خانواده دارد از تفاوت های اساسی مقاله حاضر با پژوهش های پیشین است؛ رویکردی توصیفی که سعی می کند حیطه کنشگری اجتماعی مادران را در بستر خانواده قبل از سال های دهه ۷۰ بررسی کرده و از تجویزات فراواقعی برحذر باشد.

این مقاله در صدد پاسخ بدین سؤالات است: بانوان خانه دار چگونه می توانند مبتنی بر الگوی فاطمی از زن، تأثیرگذاری اجتماعی داشته باشند؟ آیا انجام وظایف اجتماعی از سوی زنان ضرورتاً نیازمند حضور در اجتماع است؟ آیا زنان برای نقش آفرینی اجتماعی می بایست مسئولیت های خانوادگی خود را کاهش دهند؟ بدین منظور ابتدا شاخصه های اصلی زن مسلمان در سیره حضرت زهرا علیها السلام بررسی می گردند، سپس با مطالعه تجربه زیسته زنان خانه - دار در جامعه سنتی ایران که در مقایسه با زنان مدرن انطباق بیشتری با الگوی فاطمی از زن دارند، تلاش می شود چگونگی نقش آفرینی اجتماعی زنان در بستر نقش خانوادگی تبیین گردد.

اولویت های زندگی فاطمه زهرا علیها السلام و سیره زنان اهل بیت علیهم السلام

همان طور که از سیره و کلام حضرت زهرا علیها السلام دیده می شود، سبک زندگی برگزیده حضرت، بر محور اولویت زندگی ایشان است. در ادامه به چند مورد از فرمایشات ایشان اشاره می شود.

۱۱. خانه داری

در حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است:



علی و فاطمه علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله تقاضا کردند که آن حضرت کارهای خانه و بیرون خانه را بین آنها تقسیم نماید. پیامبرانجام کارهای داخل خانه را به عهده فاطمه نهاد و امور خارج از منزل را به عهده علی علیه السلام گذاشت. امام باقر علیه السلام می فرماید: فاطمه علیها السلام گفت: هیچ کس جز خداوند نمی داند که من چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله کارهای بیرون از خانه را به عهده من قرار نداد و مرا از مراوده با مردان نجات داد.^۱ (مجلسی، ۱۳۷۷: ج ۱؛ ص ۳۷۹)

۱۲. نزدیکترین حالت زن به خداوند

در روایات دیگری آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصحابش پرسید: زن چیست؟ گفتند: زن عورت است (باید از نگاه نامحرم دور باشد). پیامبر سؤال فرمود: در چه هنگامی زن به خداوند نزدیکتر است؟ ولی اصحاب پیامبر نتوانستند به این سؤال وی پاسخ بگویند؛ هنگامی که این سؤال به فاطمه عرضه شد، گفت: هنگامی زن به خداوند نزدیکتر است که در کنج خانه اش قرار داشته و از اختلاط با نامحرمان به دور باشد. چون این پاسخ به گوش رسول خدا رسید فرمود: همانا فاطمه پاره‌ای از وجود من است.^۲ (مجلسی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۳۹۸ و ۳۹۹)

حضرت زهرا علیها السلام در جواب این سوال پیغمبر صلی الله علیه و آله که از اصحابشان پرسیدند زن در چه حالتی به خدای متعال نزدیکتر است؟ می فرماید: نزدیکترین حالت زن به خدای متعال زمانی است که ملازم خانه اش باشد و از اختلاط با نامحرمان به دور باشد. این سخن ایشان تأکیدی بر نقش خانه داری و اولویت و ارزشی است که ایشان برای آن قائل بودند. نزدیکترین حالت به معنای این است که خانه داری و خانه سکوی تعالی زن است و بهترین فرصت و موقعیتی است که می تواند برای تعالی و تقرب خودش به خدای متعال فراهم کند.

۱. تَقَاضَى عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي الْخِدْمَةِ فَقَضَى عَلَى فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ وَقَضَى عَلَى عَلِيٍّ بِمَا خَلْفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا يَغْلِبُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَّاي رَسُولُ اللَّهِ ص تَحْمِلُ رِقَابَ الرِّجَالِ
 ۲. سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَصْحَابَهُ عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ قَالُوا عَوْرَةٌ قَالَ فَمَتَى تَكُونُ أَذْنَى مِنْ رَبِّهَا فَلَمْ يَذَرُوا فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ ذَلِكَ قَالَتْ أَذْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ فَعَرَبَتِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي

۱.۳. عدم اختلاط با مردان

روایت معروفی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که آن حضرت فرمود به من بگویید که چه چیزی برای زنان بهتر است؟ همه ما از جواب باز ماندیم و متفرق شدیم و من نزد فاطمه آمدم و آن چه را که پیامبر از ما پرسیده بود و ما نتوانسته بودیم جواب دهیم برای او باز گفتم. فاطمه گفت: ولی من جواب این سؤال را می دانم. بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند. علی علیه السلام گوید: من به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگشتم و به آن حضرت گفتم: ای رسول خدا! من پاسخ آن سؤال را می دانم و آن این است که بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چرا هنگامی که نزد من بودی این جواب را بیان نکردی، بگو بدانم چه کسی آن را به تو تعلیم داده است؟ فاطمه علیها السلام، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از این امر تعجب کردند و گفتند: همانا فاطمه پاره ای از تن من است.^۱ (مجلسی، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۳۱۹-۳۱۷)

همان طور که از این روایت هم دریافت می شود بهترین چیز برای زن این است که نه او مرد نامحرمی را ببیند و نه مرد نامحرمی او را ببیند. عدم اختلاط برای زنان ارزش محسوب می شود. از بیانات و سیره حضرت زهرا علیها السلام استفاده می شود که اولویت زندگی ایشان به عنوان نقشی که برای خود ترسیم می کنند نقش خانه داری است. گاهی تصور می شود که سبک زندگی دیگری در آن عصر وجود نداشت و فقط سبک زندگی خانه داری در آن زمان مرسوم بود و ناگزیر ایشان در این مسیر قرار گرفتند. توجه به این مطلب ضروری است که حضرت زهرا علیها السلام از یک طرف پیغمبرزاده و از طرف دیگر تاجرزاده بودند و مادر مکرمه ایشان حضرت خدیجه

۱. رَوَى عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ فَعَيَيْنَا بِذَلِكَ كُلَّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَخْبَرْتُهَا الَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِّنَّا عَلِمَهُ وَ لَا عَرَفَهُ فَقَالَتْ وَ لَيْكِنِّي أَعْرِفُهُ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْتُنَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ وَ خَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ قَالَ مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمَهُ وَ أَنْتَ عِنْدِي قُلْتُ فَاطِمَةُ فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي

علیه السلام در آن زمان یک فعال اقتصادی به شمار می‌آمدند. این بدان معنی است که در آن دوران، الگوی زنی که فعالیت اقتصادی داشته است دارای سابقه بوده و حضرت زهرا علیها السلام در معرض آن بوده است. ایشان با وجود چنین الگویی، الگوی زن خانه‌دار را انتخاب کردند.

شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه نقل کرده است: زمانی که سختی‌های خانه‌داری بر حضرت زهرا علیها السلام فشار آورده بود، به توصیه امیرالمومنین علیا خدمت پیغمبر اکرم ﷺ می‌روند که اگر ممکن است خادمی برای ایشان قرار بدهند و پیغمبر اکرم ﷺ تسبیحات معروف حضرت زهرا علیها السلام را به ایشان آموزش می‌دهند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ص ۳۲۰ و ۳۲۱). پیامبر ﷺ به ایشان پیشنهاد شروع یک فعالیت اقتصادی نمی‌دهند یا مبلغی به عنوان امانت در اختیار ایشان قرار نمی‌دهند تا به وسیله آن تولید ثروت کنند و خدمه‌ای بگیرند که در کارهای منزل به آن‌ها کمک کند. پیامبر ﷺ به ایشان ذکری می‌آموزند تا تحمل سختی کارها برای ایشان راحت‌تر باشد. در عصر حاضر شروع کار و فعالیت اقتصادی امر رایج و متداولی به شمار می‌آید. زنان شاغل در بیرون از منزل کار می‌کنند و شخص دیگری را برای مراقبت از فرزندانشان استخدام می‌کنند. آنچه قبلاً توسط زن در خانه انجام می‌شد، اکنون به یک پرستار سپرده می‌شود. و حتی کارهای خانگی مانند نظافت برون سپاری می‌شود و شخص دیگری انجام می‌دهد. برخی از مادران شاغل به جای گذراندن وقت با فرزندانشان، آن‌ها را به مهدکودک و خانه‌های بازی می‌فرستند و با استفاده از درآمد خود، نقش‌هایی را که یک زن خانه‌دار در خانه ایفا می‌کند، پوشش می‌دهند. حضرت زهرا علیها السلام هم می‌توانستند اینگونه عمل کنند و پیامبر ﷺ نیز چنین نصیحت کنند، همان‌طور که در زمان حضرت زهرا علیها السلام زنی (حضرت خدیجه علیها السلام) بود که در عرصه اقتصاد فعالیت می‌کرد و جامعه او را بسیار مورد احترام و تکریم قرار می‌داد اما حضرت زهرا علیها السلام آن الگوروا انتخاب نکردند و الگوی زن خانه‌دار را انتخاب کردند.

زن خانه‌دار و مسئولیت‌های اجتماعی

زن خانه‌دار چگونه می‌تواند تاثیرگذاری اجتماعی داشته باشد و به وظایف و تعهدات اجتماعی خود عمل کند؟ برای بررسی کامل این سؤال، دو رویکرد متمایز وجود دارد که می‌توان



مورد بررسی قرار داد:

۲.۱. دوره بررسی

۱. رویکرد توصیه‌ای: در این روش، فرض بر این است که خانه‌داری و زن خانه‌دار منقطع از جامعه است. به این معنا که زن خانه‌دار تا به حال (در خانواده‌های سنتی) تأثیرگذاری اجتماعی نداشته و باید راه‌ها و منافذی به سمت جامعه باز شود تا بتواند در جامعه ایفای نقش کند. سپس شیوه‌ها و راه‌های نو و جدیدی برای نفوذ زن خانه‌دار به جامعه ارائه می‌دهیم و در مورد این راهکارها بحث می‌کنیم که آیا به وسیله این راه، امکان تأثیرگذاری اجتماعی برای زن خانه‌دار وجود دارد یا خیر؟ و نهایتاً امکان وجود راه‌ها و شیوه‌های تأثیرگذاری اجتماعی زن خانه‌دار اثبات می‌شود.

۲. رویکرد توصیفی: در این روش تجربه زیسته زنان خانه‌دار در خانواده‌های سنتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که آیا رفتار و عملکرد ایشان در منزل در قالب الگویی که از سیره حضرت زهرا (علیها السلام) استفاده شده تأثیرگذاری اجتماعی داشته است یا خیر؟ آیا شیوه‌های تأثیرگذاری تاکنون وجود داشته است؟ این شیوه‌های تأثیرگذاری چه بوده است؟ بحث از امکان وجود راه‌هایی برای تأثیرگذاری نیست، بلکه بحث ما گزارشی از شیوه‌های تأثیرگذاری محقق شده و موجود در خانواده‌های سنتی و میان زنان خانه‌دار است.

در این پژوهش، روش توصیفی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است و در صدد پاسخ به این پرسش هستیم که: آیا زنان خانه‌دار در خانواده‌های سنتی تأثیرگذاری اجتماعی داشتند یا خیر؟ آنچه که محقق شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد و نه آن چیزی که امکان تحقق دارد.

۲.۲. شعار: فرزند کمتر زندگی بهتر

قبل از آن که رویکرد توصیفی را مورد بررسی قرار دهیم لازم است به یک مقطع تاریخی که اتفاق مهمی در جامعه ما رخ داد توجه کنیم و آن را نقطه عطف در نظر بگیریم.

کنترل جمعیت، رویداد بزرگ و مهمی بود که در دهه ۱۳۷۰ در جامعه و تاریخ اجتماعی ایران اتفاق افتاد. سیاست‌های تشویقی و تبلیغاتی مختلفی در جهت به کنترل درآوردن جمعیت روبه رشد ایران، مورد توجه قرار گرفت. یکی از آن سیاست‌ها، شعار "فرزند کمتر، زندگی بهتر" بود که در جامعه به صورت گسترده ترویج داده و در هر کوی و برزنی شنیده می‌شد. این شعار فراگیر به تار و پود جامعه دمیده شد و در رسانه‌ها و محیط‌های عمومی، مردم و خانواده‌ها به شدت تحت تأثیر این تبلیغات قرار گرفتند. قبل از آن، فرزندآوری مهم‌ترین نقش زن در جامعه و مایه افتخار و احترام او تلقی می‌شد. هم‌چنین طبق آموزه‌های دینی ما و بنا به گفته پیامبر(ص): بهشت زیر پای مادران است. با گسترش شعار "فرزند کمتر، زندگی بهتر" زنان و خانواده‌هایی که فرزندان زیادی داشتند، احساس حقارت و بی‌فرهنگی کردند و نقش مادر و جایگاه او آسیب دید. هنگامی که مهم‌ترین نقش و کنشگری اجتماعی زنان، که همان فرزندآوری بود تحقیر شد، به تناسب آن، زنان و هویت زنانه دچار آسیب شد. این هویت، برای اینکه بتواند عزت و کرامتش را حفظ کند به سمت هویت مردانه سوق پیدا کرد. زنان برای حفظ احساس کرامت خود مجبور شدند رفتار مردانه را اتخاذ کنند و به دنبال شغل باشند که ارزشمندترین جنبه هویت مردانه در جامعه است. به دنبال آن روحیات، علایق، نوع پوشش و حتی رفتار و تعاملات اجتماعی زنان به سمت شخصیت مردانه حرکت کرد. در دوره کنونی بعضی از این رفتارها به شکل شدیدتری جامعه سنتی مشاهده می‌شود.

نقش اجتماعی زنان خانه‌دار در جامعه سنتی

در این پژوهش، به تأثیر اجتماعی مادران و زنان خانه‌دار، قبل از سال‌های دهه ۷۰ خواهیم پرداخت. آیا مادران و زنان خانه‌دار در آن دوران، تأثیرگذاری اجتماعی داشتند یا خیر؟ در خانواده‌های سنتی، مادرها مجموعه‌ای از مدیریت‌ها را انجام می‌دادند: فرزندداری، همسر داری، همسایه داری، فامیل داری، مهمانداری، چند مورد از مدیریت زنان خانه‌دار در جامعه سنتی و تأثیرگذاری اجتماعی آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۳.۱. فرزنداری

۳.۱.۱. تقسیم کار بین فرزندان

یکی از کارهایی که مادران، ذیل مسئولیت فرزندداری انجام می‌دادند تقسیم کار بین فرزندان بود. کارهایی مثل ظرف شستن، جارو کردن، لباس شستن، غذا پختن، مواظبت از خواهر و برادر کوچکتر، نان خریدن و یا خرید مایحتاج، نفت آوردن، بردن و آوردن خواهر یا برادر کوچکتر به مدرسه. فرزندان در این تقسیم کار، مسئولیت‌پذیری و نظم که از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی هستند را آموزش می‌دیدند. توجه به ناهنجاری‌های اجتماعی-فرهنگی که جامعه کنونی ما را آزار می‌دهند و از طرفی وابستگی آن‌ها به موضوع مسئولیت‌پذیری در خانواده و یا توانایی در مهارت خانه‌داری که با تقسیم کار بین فرزندان توسط مادران آموزش داده می‌شد، نشان می‌دهد که نبودن این مهارت‌ها می‌تواند باعث ایجاد تنش بین همسران و در نهایت منجر به اختلافات زناشویی و جدایی شود.

۳.۱.۲. تقسیم امکانات محدود و دعوت به استفاده مشترک

یکی از ویژگی‌های خانواده‌های سنتی، محدودیت امکانات بود. اعضای این خانواده‌ها، باید به صورت مشترک از امکانات استفاده می‌کردند به گونه‌ای که فرزندان مجبور بودند اسباب بازی‌ها، لوازم التحریر و دیگر وسایل خود را به اشتراک بگذارند. هر اتاق مختص یک فرزند نبود و اتاق‌ها به صورت مشترک برای چند فرزند استفاده می‌شد. در برخی موارد، فرزندان که سنان به هم نزدیک بود لباس‌ها را مشترکاً استفاده می‌کردند. از کارهایی که مادران در این خانواده‌ها انجام می‌دادند مدیریت و القای محبت و مهربانی میان فرزندان و جلوگیری از تنش‌های احتمالی ناشی از استفاده مشترک از امکانات بود. در این خانواده‌ها فرزندان، ایشار کردن به همدیگر، گذشت کردن، مشارکت، همکاری و محبت ورزیدن را یاد می‌گرفتند. خانواده‌ای که چند فرزند داشت و تحت مدیریت مادر، این‌گونه با هم تعامل می‌کردند این ویژگی‌ها در وجود آن‌ها نهادینه می‌شد؛ اما در مقابل آن، در خانواده‌ی تک فرزندی، فقدان چنین تعاملاتی با خواهر و برادر ممکن است مانع رشد این ویژگی‌ها شود و منجر به افزایش انحصارطلبی،

خودخواهی و تکبر در روحیه او شود.

۲.۱۳. قانون داشتن منزل

از دیگر کارهایی که مادران در مدیریت منزل و فرزندان انجام می‌دادند قانون داشتن منزل بود. ساعت خواب و بیداری و ساعت صرف غذا در خانه رعایت می‌شد. قوانین خانه براساس خواسته‌ها و مصلحت و علایق شخصی یک فرد تنظیم نشده بود، بلکه براساس مصلحت و توانایی‌ها و بضاعت همه افراد خانواده تنظیم می‌شد. به دنبال آن روحیه‌ای در فرزندان شکل می‌گرفت که خلاف روحیه شکننده بودن و زودرنجیدن بود و این از قبل همان قانون مداری بود که مادر در خانه اعمال می‌کرد. امروزه، به خاطر عدم آموزش قانون مداری در خانواده، افراد تلاش می‌کنند تا از خلأهای قانونی در جامعه سوءاستفاده کنند و مصالح شخصی خود را بالاتراز مصالح عمومی قرار دهند. چنین معضلات اخلاقی و فرهنگی عمیقاً در بافت اجتماعی ما وجود دارد.

۲.۱۴. رفع منازعه بین فرزندان

یکی دیگر از کارهایی که مادران در این خانواده‌ها انجام می‌دادند، رفع منازعه بین فرزندان بود. این مدیریت مادرها در خانواده‌هایی که تعداد فرزندان زیادی داشتند انجام می‌شد. در خانواده‌های یک یا دو فرزندی که هر کدام در اتاق خودشان هستند منازعه‌ای شکل نمی‌گیرد. اما در خانواده‌هایی که تعداد فرزندان زیاد و امکانات محیط محدود بود هرکس امکانات اختصاصی خودش را نداشت بلکه افراد باید در استفاده از امکانات با همدیگر مشارکت می‌کردند. به دنبال آن طبیعتاً میان فرزندان منازعه پیش می‌آمد و آن‌ها با شرایط واقعی زندگی روبرو می‌شدند. برای رفع منازعه، مادرها به ایجاد رابطه دوستی بین فرزندان کمک می‌کردند و بزرگترها را به گذشت در مقابل فرزندان کوچکتر دعوت می‌کردند. در حالی که آن‌ها را تکریم می‌کردند، به آن‌ها روحیه گذشت نسبت به کوچکتر را آموزش می‌دادند. کوچکترها را به احترام گذاشتن به بزرگترها و تبعیت و اطاعت از آنان دعوت می‌کردند. فرزندان احترام متقابل و احترام



به حقوق دیگران را یاد می‌گرفتند. اگر فرزندی زیاده‌خواهی می‌کرد یا درصدد تعدی به حقوق دیگران بود تنبیه می‌شد. چیزی که امروز در جامعه ما کمتر آموزش داده می‌شود.

۳.۱۵. طراحی فعالیت‌های جمعی خانوادگی (مادر، محور فعالیت‌های جمعی)

از کارهای دیگری که مادرها انجام می‌دادند، طراحی فعالیت‌های جمعی خانوادگی بود. مثلاً بازی‌های دسته‌جمعی که با فرزندان‌شان انجام می‌دادند یا نظارت بر بازی‌هایی که فرزندان با هم انجام می‌دادند، اعضای خانواده با هم خانه‌تکانی و نظافت می‌کردند، با هم مهمانی می‌رفتند یا مهمان می‌آمد و با هم پذیرایی می‌کردند، با هم زیارت و مسافرت می‌رفتند. فعالیت‌های جمعی و گروهی آثاری داشت که یکی از این آثار خاطره‌سازی بود، فرزندان در کنار همدیگر خاطره پیدا می‌کردند و اوقات خوشی را با همدیگر سپری می‌کردند و این باعث تحکیم روابط خانوادگی و تعمیق روابط خواهر و برادری می‌شد. هم‌چنین زندگی جمعی و کار گروهی و مشارکت و همکاری را یاد می‌گرفتند.

۳.۱۶. مادر تجلی رحمت الهی، مادر معلم بندگی

انسان‌ها حقایق انتزاعی، غیرمادی و بعید را به واسطه حقایق ملموس و محسوس و قریب می‌فهمند. زبان‌شناسان شناختی معتقدند حوزه‌ای مفهومی براساس حوزه مفهومی دیگری که برای ذهن مخاطب آشنا تر و عینی‌تر است، فهم می‌گردد (لیکاف^۱ و جانسون^۲، ۱۹۸۰، ص ۵). فهم و ادراک انسان ماهیت استعاری دارد. منظور این است که مفاهیم انتزاعی و دور از ذهن در قالب مفاهیم ملموس فهمیده می‌شوند. یک کودک، مفهومی انتزاعی مثل عدالت را با مساوی تقسیم کردن دو چیز متوجه می‌شود. مثلاً اگر یک میوه را مساوی بین او و برادرش تقسیم کنیم و بگوییم عدالت این است، کودک این‌گونه مفهوم عدالت را می‌فهمد. هم‌چنین مفهوم ظلم را با به زور گرفتن چیزی از خود متوجه می‌شود. قرآن هم از این ویژگی استفاده

1. Lakoff

2. Johnson

کرده و برای انتقال مفهوم وحی از استعاره مفهومی مدد گرفته است تا مفاهیم انتزاعی و غیرمحسوس را بر پایه يك يا چند واسطه ملموس تر قابل درك گرداند (قائمی نیا، ۱۳۹۹، ص ۱۱). خداوند وقتی در مورد بهشت و جهنم و دیگر مفاهیمی که خارج از حوزه ادراک ما هستند سخن می گوید، آن ها را در قالب مفاهیم محسوس برای ما بیان فرموده و از مفاهیمی که در معرض آن ها هستیم و نعماتی که در دنیا تجربه کردیم مثل رودخانه و باغ و قصر و کاخ و نوشیدنی استفاده می کند. بدون شک آن چه از نعمات بهشتی در قرآن گفته شده، نمونه هایی دنیایی دارند، مانند خوردنی ها، آشامیدنی ها، نهرها، قصرها، حور،...؛ و آن چه در بهشت هست و در دنیا مشابهی ندارد، در قرآن بیان نشده است، چون قابل درک و فهم و تصور نمی باشد؛ لذا خداوند علاوه بر بیان برخی از نعمات بهشتی که قابل درک و تصور است، فرمود: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً مِّمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (السجده، ۱۷) ترجمه: هیچ کس نمی داند چه پاداشهای مهمی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می دادند!

رحمت الهی نیز یک مفهوم انتزاعی و مبنای بندگی خداوند است. کسی که رحمت الهی را چشیده باشد می تواند خداوند را از سرحب و عبودیت و خضوع و خشوع بندگی کند. انسان ها رحمت خدای متعال را از طریق رحمت و محبتی که در دوران کودکی از مادر کسب کرده اند می فهمند یعنی عالی ترین رحمتی که می توانند تصور کنند. هر چقدر که فرزند در تعامل با مادرش، رحمت و مهربانی را بیشتر درک کرده باشد در فهم رحمت خدای متعال هم توانا تر است. کسی که دلسوزی، گذشت، صبوری، ایثار و شب بی خوابی های مادر را درک کرده باشد بهتر رحمت الهی را درک می کند و برای بندگی خدا آماده تر است. در حقیقت مادران معلم توحید و عبودیت فرزندان هستند.

مادران با ایجاد رابطه محبت آمیز با فرزندان، نقش تعیین کننده ای در پرورش دینداری در جامعه داشتند. در مقابل مادری که کودک خود را سربار خود می بیند و وقت گذراندن با وی را وقت تلف کردن می انگارد و همیشه کار را براو ترجیح می دهد فرزند او رحمت الهی را سخت تر درک می کند و زمینه کمتری برای بندگی پیدا می کند. عدم درک و همدلی نسبت به مادر

ممکن است منجر به شورش علیه والدین و حتی زیر سؤال بردن وجود خود شود. بنابراین نقش مادر در کنار اداره امور خانه، در ایجاد جامعه توحیدی و مؤمنانه اساسی است. ایفای نقش مادری عامل ارتقای دینداری در جامعه است.

نقش مادر در تربیت فرزندان فراتر از مراقبت ساده است. با توجه به مواردی که بیان شد این نقش به صورت غیر مستقیم تاثیرگذاری های عمیق اجتماعی دارد و در لایه های زیرین اجتماع تأثیر می گذارد و از معضلات اخلاقی اجتماعی جلوگیری می کند. تأثیرگذاری اجتماعی زنان فقط به حضور فیزیکی آنان در اجتماع منتهی نمی شود بلکه ایشان با تولید و پرورش فرزندانی شایسته می توانند نقشی مهم در جامعه ایفا کنند. (فاتحی، ۱۳۹۸، ص ۳۶)

۳.۲. همسایه داری

از جمله مسئولیت های چند جانبه ای که مادران بر عهده داشتند، همسایه داری بود. این عمل ریشه در عملکرد مثال زدنی حضرت زهرا علیها السلام دارد. جمله ای برگزیده از متن حدیث معروفی از ایشان است که فرمودند: الجار ثم الدار. جامعه اسلامی به خصوص جامعه شیعی و مادران و خانواده های سنتی به ارتباط با همسایه ها اهتمام ویژه ای داشتند و محور این ارتباط ها مادران بودند. مادری که در بیرون از منزل شاغل است وقتی به منزل باز می گردد به مقداری استراحت نیاز دارد تا به امور منزل و فرزندان رسیدگی کند. طبیعتاً مادران شاغل، فرصتی برای ارتباط با همسایه ها ندارند. مادر خانه دار از فواید ارتباط با همسایگان خود بهره می برد. اکنون به بررسی چند مورد از این فواید می پردازیم.

۳.۲.۱. یاری گیری های اجتماعی

یکی از آثار روابط همسایگی یاری گیری های اجتماعی بود. یعنی افراد و خانواده ها در معضلات و مشکلات متعدد مثل مریضی ها و مشکلات اقتصادی کمک کار همدیگر بودند. اگر اختلاف خانوادگی پیش می آمد همسایه ها ریش سفیدی می کردند، اگر مشکل اقتصادی بود یا اگر جوانی قصد ازدواج داشت همسایه ها از نظر مالی یا برای آماده کردن جهیزیه کمک



می کردند. یا اگر کسی وسیله ای در خانه اش نیاز داشت از همسایه ها امانت می گرفت. مردم به یاری هم می شتافتند و از کنار همدیگر بودن و از ارتباط جمعی لذت می بردند. مشکلات و سختی ها وجود داشتند ولی به واسطه یاری گیری های اجتماعی فشارهای اجتماعی کاهش می یافت.

یکی از ثمرات یاری گیری های اجتماعی، عدم احساس غربت و تنهایی بود که یکی از معضلات امروز جامعه ما محسوب می شود. در خانواده ها و جامعه سنتی، مشکلات افسردگی، فشارها و مشکلات اعصاب و روان کمتر دیده می شد. امروزه با وجود اینکه حضور اجتماعی زنان در جامعه بیشتر است، افسردگی و مشکلات اعصاب و روان نیز در زنان بیشتر دیده می شود. در آن جوامع روابط همسایگی و یاری گیری های اجتماعی، سبب کاهش فشارهای اجتماعی و افزایش احساس رضایت از زندگی می شد. با وجود این که مردم زندگی ساده تر و مشکلات اقتصادی بیشتری داشتند، رضایت و شادی بیشتری داشتند. لذا نقش خانه داری در بالا رفتن سلامت روانی جامعه مؤثر بود.

۳.۲.۲. روابط همسایگی زمینه ساز همبستگی اجتماعی

از نتایج دیگری که روابط همسایگی رقم می زد همبستگی اجتماعی بود. از نظر امیل دورکیم (جامعه شناس بزرگ فرانسوی سده نوزدهم و بیستم) همبستگی اجتماعی در جوامع کوچک زمانی اتفاق می افتد که افراد به واسطه شناختی که از هم دارند، بر رفتار یکدیگر کنترل اجتماعی دارند. در این جوامع افراد موظفند در چارچوب هنجارهای رایج آن جامعه رفتار کنند. دورکیم معتقد است به واسطه وجود ارزش ها و هنجارهای مشترک، وجدان جمعی شکل می گیرد که افراد براساس آن در جامعه رفتار می کنند و به سبب آن حیات جمعی جامعه تداوم می یابد. (ریتزر، ۱۴۰۰، ص ۱۲۴) در روابط همسایگی خانم ها با یکدیگر صحبت می کردند. در مجالس زنانه و یا به صورت گروهی فعالیت می کردند، مثل سبزی پاک کردن یا جهیزیه آماده کردن. مادران در این مجالس و محافل گفت و گو می کردند و روایت هایی از مفاهیم متعدد به همراه

ایجاد شناخت، چشم‌اندازسازی و اقناع‌سازی شکل می‌گرفت. این روایات به ایجاد فهم مشترک نسبت به مفاهیم اجتماعی، اخلاقی و ارزشی منجر می‌شد که زیر بنای همبستگی اجتماعی بود. زمانی جامعه می‌تواند همبستگی اجتماعی داشته باشد که افراد از مفاهیم ارزشی، تلقی واحدی داشته باشند.

امروزه در جامعه روایات متعددی از مفاهیم آزادی، حیا، عفت، کرامت، بندگی، نجابت، ... دیده می‌شود. زمانی که در جامعه افراد از مفاهیم تعریف‌های متعدد داشته باشند رسیدن به اتحاد و همبستگی بسیار دشوارتر خواهد بود. یکی از شروط اساسی رسیدن به اتحاد در جامعه برای مقابله با تهدیدات و نفوذ، فهم مشترک نسبت به مفاهیم است. در جوامع سنتی که رسانه‌های جمعی وجود نداشت فهم مشترک در افراد جامعه به واسطه ارتباطاتی بود که افراد در خانواده و فامیل و در محله‌ها با یکدیگر داشتند. محور این ارتباطات، مادران بودند. در نتیجه تعاملاتی که مادران با همدیگر داشتند، فهم مشترکی نسبت به مفاهیم شکل می‌گرفت و در خانواده و فرزندان و همسر خانواده منعکس می‌شد. امروزه این گفتگوها وجود ندارد و با وجود این که افراد در فضای مجازی باهم ارتباط دارند ولی به تفاهم و فهم مشترک نمی‌رسند. روابط همسایگی بر محور ارتباطات مادران، زمینه‌ساز وحدت و همبستگی اجتماعی و در نهایت سبب تداوم حیات جامعه می‌شد.

۲.۲.۳. روابط همسایگی ایجاد فضای محله

به واسطه روابط همسایگی که توسط مادران، میان خانواده‌ها شکل می‌گرفت محله‌ها به وجود می‌آمد. در محله، خانواده‌ها با یکدیگر مرتبط بودند و این ارتباطات بر محور مادر خانواده بود. محله‌ها هویت داشتند، یعنی افراد متعلق به محله‌ها بودند و با محله‌ها شناخته می‌شدند.

محله فضای اجتماعی کوچکی بود که بچه‌ها به واسطه بازی کردن و تردد در کوچه پس کوچه‌ها دوست و رفیق داشتند. آشنایی با افراد و خاطره داشتن در محله باعث ایجاد علقه نسبت به محله و ایجاد نوعی تعصب نسبت به شهر و کشور می‌شد. روابط همسایگی باعث



ایجاد میهن پرستی و هویت ملی در افراد می‌شد. دلیل این که نوجوانی که به نشانه اعتراض، خساراتی به امکانات محله وارد می‌کند این است که او اصلاً در محله و در آن شهر زندگی نکرده بلکه در اتاقش، نه تنها در اتاقش، در فضای مجازی زندگی کرده و گوشی و فالوورهایش از امکانات محله برایش مهم ترند. ولی نوجوانی که در محله زندگی می‌کند و خاطراتی با افراد محله دارد نسبت به آن تعصب دارد و احساس وابستگی می‌کند و تعلق به میهن و میهن پرستی در وجود او شکل می‌گیرد. محله‌ها هم خودشان هویت داشتند و هم هویت‌ساز بودند و این به واسطه روابطی بود که مادران با یکدیگر داشتند.

محله‌ها جامعه‌های کوچکی بودند که فرآیند اجتماعی شدن فرزندان در آنجا رقم می‌خورد. کودکان در محله یاد می‌گرفتند که قواعد، اصول، الگوها و هنجارهای جامعه چیست؟ شخصیت کودکان در تعامل با جامعه کوچک شکل می‌گرفت و نتیجه این بود که وقتی جوانی به ۲۰ سالگی می‌رسید بلوغ فکری و شخصیتی در او حاصل شده بود و آمادگی ازدواج داشتند. شکل‌گیری محیط محله و فرایند اجتماعی شدن که در محله اتفاق می‌افتاد به تسریع بلوغ شخصیتی نوجوانان کمک می‌کرد تا برای پذیرش مسئولیت خانوادگی مهیا باشند.

اگر روابط همسایگی عمیق‌تر و صمیمانه‌تر باشد، فضای زندگی و اجتماعی امن‌تر و بزهکاری و سرقت کمتر می‌شود. مادران محور روابط همسایگی هستند و این روابط، به ارتقای امنیت اجتماعی کمک می‌کند. هم‌چنین به واسطه‌ی روابط و شناخت، وصلت‌هایی در روابط همسایگی و محله‌ای شکل گرفت که به دلیل شناخت‌های عمیقی که وجود داشت از پایداری بیشتری برخوردار بود. خانه‌داری عامل شکل‌گیری خانواده‌های مستحکم‌تر بود. موارد فوق چند مورد از آثار و ثمرات اجتماعی نقش همسایه‌داری بود که مادران خانه‌دار در جوامع سنتی ایفا می‌کردند.

۳.۳. فامیل داری

از دیگر نقش‌هایی که مادرها در آن جوامع ایفا می‌کردند فامیل داری بود. زن خانه‌دار فرصت بیشتری برای ارتباطات فامیلی دارد و مادران محور این ارتباطات هستند. حمایت از

ارتباطات فامیلی آثاری داشت:

۳.۳.۱. حمایت‌های خویشاوندی

یکی از آثار ارتباطات فامیلی، حمایت‌های خویشاوندی. یاری‌گری‌های اجتماعی در قالب روابط خویشاوندی. بود. در روابط خویشاوندی یاری‌گری در حوزه‌های مختلف وجود داشت؛ در امور اقتصادی، اختلافات خانوادگی، بیماری، کمک در امر تربیت و کمک به شکل‌گیری خانواده‌های نوپا (گلریزان می‌گرفتند). اگر فرزند کسی قصد ازدواج داشت خویشاوندان کمک می‌کردند که نیازهای مالی وی را برطرف کنند. از آثار و نتایج ارتباطات فامیلی، کاهش فشارهای اجتماعی و روانی بود که به بالا رفتن ثبات و استحکام خانواده‌ها کمک می‌کرد و نتیجه مهم‌تر آن، بالا رفتن احساس رضایت‌مندی از زندگی بود.

۳.۳.۲. ایجاد فضای مناسب برای بازی بچه‌ها و تربیت ایشان

روابط خویشاوندی محیط بسیار خوبی برای رشد و تعامل فرزندان با همدیگر ایجاد می‌کرد. فرزندان در روابط خویشاوندی فرمانبری از غیر پدر و مادر را تجربه می‌کردند. هم‌چنین آنان مدیریت رفتار یاد می‌گرفتند. می‌آموختند که در تعامل با دیگرانی که از ایشان قوی‌تر هستند چگونه رفتار کنند که حقشان ضایع نشود و در مقابل افراد ضعیف‌تر از خودشان چه رفتاری نشان دهند که بازی خراب نشود و تنها نمانند و منجر به زورگویی و ضایع شدن حق کسی نشود.

۳.۳.۳. روابط خویشاوندی، عامل پابندی به ارزش‌های خانوادگی

روابط با خویشاوندان کمک می‌کرد فرزندان به ارزش‌های خانوادگی (که میان خانواده و خویشاوندان مشترک بود) تعلق خاطر پیدا کرده و پابند باشند.

۳.۴. همسراری، شوهرداری

یکی دیگر از انواع مدیریت‌های مهمی که زن خانه‌دار انجام می‌دهد همسراری است. نقش



همسرداری زنان خانه دار در مقایسه با نقش همسرداری زنان شاغل چگونه است؟

۳.۴.۱. جذابیت های روحی و عاطفی زنان عامل پاکدامنی مردان

به جهت اینکه تنها تعاملات زن خانه دار حول محور شوهرش می چرخد، او نیازی به پنهان کردن احساسات و عواطف خود نمی بیند و محدودیتی ندارد. در مقابل خانمی که شاغل است و باید ساعتی در بیرون از منزل، در کنار مردان کار کند و به فعالیت های اجتماعی بپردازد، مجبور است دائماً این عواطف و احساسات را در ظاهر اجتماعی خود تنظیم و سرکوب کند و نمی تواند مکمل شخصیتی برای مرد باشد. کنترل مداوم درونی ترین احساسات زن در محیط های اجتماعی، به طور ناخودآگاه بر شخصیت او تأثیر می گذارد. زن خانه دار محدودیتی برای عشق ورزی و محبت ورزی ندارد. آغوش گرم وی برای همسرش، بار اجتماعی را که بر دوش مرد گذاشته می شود، کاهش می دهد. با کاهش این فشارها، مرد می تواند آستانه بالتری برای تحمل در تعاملات اجتماعی خود ایجاد کند و منجر به کاهش تنش های اجتماعی شود، در نتیجه مرد می تواند با آرامش بیشتری فشارها را مدیریت کند.

۳.۴.۲. کمک به رشد و تعالی مرد

از دیگر آثار همسرداری زنان، کمک به رشد و تعالی مرد است. روحیه مردانه که صلابت و اقتدار در آن است، در کنار روحیه ی نرم خو و لطافت ها و ظرافت های زنانه به توازن و تعادل می رسد و می تواند تعالی پیدا کند. اگر خانم خانه هم روحیه مردانه داشته باشد طبیعتاً تنش ها و فشارهای روانی در وجود مرد نمی تواند کاهش پیدا کند. مرد تنش ها و فشارهای روانی در جامعه تجربه می کند و هر روز با آن ها مواجه است، پس از بازگشت به خانه خود در پایان هر روز نیز با شخصیت مشابهی روبرو می شود که مردانگی شبیه به خودش دارد. هم چنین در صورتی که زن شاغل، خسته به خانه برگشته باشد و توان و قدرت توجه به مرد را نداشته باشد، مرد نمی تواند به درستی در مقابل تنش های اجتماعی واکنش نشان دهد.

مواردی که به عنوان نقش خانه داری زنان ذکر شد، به معنای نفی فعالیت های اجتماعی



آنان نمی‌باشد. قطعاً بانوان باتوجه به شرایط و توانایی‌هایی که دارند می‌توانند علاوه بر نقش خانه‌داری در نقش‌های مختلف اجتماعی هم حضور پیدا کنند و موفق باشند. نکته حائز اهمیت این است که خانه‌داری وقت تلف کردن نیست و دارای تأثیرات عمیق اجتماعی است. زنان خانه‌دار لازم نیست که کارهای دیگری را ضمیمه خانه‌داری کنند تا ارجمند شوند و یا اینکه احساس کنند که مسئولیت اجتماعی‌شان را انجام داده‌اند. خانه‌داری همراه با مسئولیت‌ها و نقش‌هایی که زنان می‌توانند ذیل آن ایفا کنند تاثیرگذاری بسیاری در عمیق‌ترین لایه‌های اجتماع دارد و به تربیت نیروی کار و نیروی انسانی جامعه می‌پردازد.

لازم است چند مورد از فرمایشات امام و رهبری، نسبت به نقش خانه‌داری زن‌ها، را مورد بررسی قرار دهیم.

امام خمینی -رضوان الله تعالی علیه- می‌فرمایند: «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ بلکه بانوان در همه‌ی ابعاد خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است و این امری است که انبیا می‌خواستند.» (امام خمینی، جلد ۱۴، ص ۱۹۷)

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «من می‌گویم مهمترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت میتواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر می‌تواند ایفاء کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهمتر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمیتواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم. (بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا .سلام الله علیها . ۱۳/۰۴/۱۳۸۶)

نقش خانه‌داری زن، یک نقش بی‌بدیل است به این معنا که کس دیگری نمی‌تواند این



نقش را برعهده بگیرد. چندین مرد نمی‌توانند نقش یک زن خانه‌دار را ایفا کنند اما نقش‌های دیگر زن‌ها در جامعه را مردان می‌توانند ایفا کنند، مثل شغل مهندسی، کارمندی یا حتی پزشکی.

ایشان در بیان دیگری می‌فرمایند: «زن بودن، برای زن یک نقطه امتیاز است، یک نقطه افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور کنیم. خانه‌داری را، فرزندداری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱)

هم‌چنین ایشان در رابطه با این‌که خانه‌داری وقت تلف کردن نیست می‌فرمایند: «زن توی خانه بیکار نیست یک عده خیال می‌کنند زن در خانه بیکار است نخیر زن توی خانه بیشترین و سخت‌ترین و ظریف‌ترین کارها را انجام می‌دهد.» ایشان در بیان دیگری می‌فرمایند: «در واقع، خانواده را هم زن به وجود می‌آورد و اداره می‌کند؛ این را بدانید. آن عناصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد. بدون مرد، ممکن است خانواده‌ای باشد. یعنی اگر فرض کنیم در خانواده‌ای، مرد خانواده حضور نداشته باشد، یا از دنیا رفته باشد، زن خانواده اگر عاقل و با تدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ می‌کند؛ اما اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند. بنابراین، خانواده را زن حفظ می‌کند.» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰)

در سال ۱۳۷۰ ایشان در دیداری که با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان - که در این جمع، پزشکان زن متخصص حضور داشتند فرمودند: «مسئله‌ی مادری، مسئله‌ی همسری، مسئله‌ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه‌ی طرح‌هایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی یا هر رشته دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی بکنیم، باید به ملکه‌ی زنبور عسل تشبیه کنیم.» ایشان می‌فرمایند زن خانه‌دار را به ملکه‌ی زنبور عسل تشبیه می‌کنند، طرف مقابل ملکه‌ی زنبور عسل مرد خانه است که طبق مثال ایشان مرد خانه مانند زنبور کارگر است. مرد خانه

کار و فعالیت اقتصادی می‌کند تا زمینه‌ای ایجاد کند تا زن خانه بتواند نقش‌ها و مسئولیت‌های عمیق خود را به خوبی ایفا کند.

ایشان در ادامه همین صحبتشان می‌فرمایند: «کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آن جا رشد و بالندگی پیدا کند؛ بچه‌ها محبت و نوازش ببینند؛ شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خام‌تری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است. حتی نه نوازش مادر. باید نوازش ببیند. برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه کوچک آن کار را می‌کند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند. اگر این احساسات و این عواطف محتاج وجود یک محور اصلی در خانه - که آن، خانم و کدبانوی خانه است - نباشد، خانواده یک شکل بدون معنا خواهد بود. شما کار هم دارید، بیرون هم هستید، جراحیتان را هم می‌کنید، مریضتان را هم می‌بینید، فلان کار علمی را هم می‌کنید، فلان طرح را هم می‌نویسید، فلان درس را هم در دانشگاه می‌دهید. همه‌ی اینها به جای خود محفوظ. اما بایستی سهم «خانه» را هم در نظر داشته باشید.» (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴)

نتیجه‌گیری

خانه‌داری وقت تلف کردن نیست. خانه‌داری مجموعه‌ای از مدیریت‌هاست: همسر داری، فرزند داری، همسایه داری، فامیل داری، مهمان داری، مردم داری. نقش خانه‌داری، ظرفیت تأثیرگذاری عمیق در لایه‌های زیرین جامعه را دارد. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که زنان به واسطه خانه‌داری و توجه به ابعاد گسترده آن می‌توانند مسئولیت‌های اجتماعی خود را ایفا کنند.

بحث اولویت بخشی به خانه‌داری است نه محدود کردن زنان به خانه‌داری، افراد با توانایی بیشتر مجازند به حوزه‌های دیگری اعم از تحصیلی، شغلی، ورزشی و ... ورود کنند. در بسیاری از موارد، حضور فیزیکی زنان در اجتماع با حفظ حریم و حرمت ایشان لازم و ضروری است. آنچه گذشت نافی نقش‌هایی که زنان با توانایی‌ها و استعداد‌های بیشتر می‌توانند بر عهده بگیرند و



تأثیرگذاری داشته باشند نیست. نقش خانه‌داری، نقش مهم و بی‌بدیلی است و برخلاف آن‌چه که گاهی تصور می‌شود اتلاف وقت است و زنان باید در نقش‌های مهم‌تر و بالاتری تأثیرگذاری کنند، نیست. تأثیرگذاری اجتماعی هیچ نقشی در جامعه نمی‌تواند قابل مقایسه با تأثیرگذاری یک مادر خانه‌دار باشد.

در نشان دادن الگو و نماد زن مسلمان موفق، نباید متمرکز در زنان شاخص با توانایی‌های خاص و فوق‌العاده و افتخارات بین‌المللی (ورزشی، علمی، شغلی) شد و ایشان را محور قرار داد. ایشان قابل تکریمند ولی همه نمی‌توانند شاگرد اول باشند.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه، دوم.
۳. بانکی پور فرد، امیرحسین (۱۳۹۳)، مجموعه پنج جلدی نقش و رسالت زن، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>
۵. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام ۱۳۸۶/۰۴/۱۳،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3390>
۶. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و پی‌داری اسلامی»، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۰۳۸۸>
۷. حق شناس، سید جعفر، «زن در اجتماع»، پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم علیه السلام
۸. ریتز، جورج، (۱۴۰۰)، نظریات جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، نشرنی، چاپ هشتم.
۹. فاتحی، حمیدرضا. (۱۳۹۸)، «جامعه‌شناسی تقسیم کار خانگی در سیره معصومین علیهم السلام»، پژوهش اجتماعی، شماره ۴۵، زمستان (صفحات ۴۸-۱۹)
۱۰. قائمی نیا، علیرضا؛ نصرتی، شعبان؛ فریدی خورشیدی، منا، (۱۳۹۹)، «استعاره مفهومی

- وحی رسالی در قرآن کریم»، ذهن، شماره ۸۱، بهار (صفحات ۳۴-۵)
۱۱. کشوری، امین. (۱۳۹۴)، «حضور اجتماعی و نقش‌های زنانه»، قم: دفتر نشر معارف اسلامی.
۱۲. کوچش، زولتان؛ (۱۳۹۵)، زبان، ذهن و فرهنگ: مقدمه‌ای مفید و کاربردی؛ ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی؛ تهران: آگاه.
۱۳. لولاآور، منصوره؛ شاهمرادی زواره، راضیه، (۱۳۹۳)، «واکاوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت الله خامنه‌ای» فصلنامه علمی-پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان / شماره چهارم / سال اول / بهار و تابستان، ص ۲۸-۹
۱۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، و روحانی علی آبادی، محمد، (۱۳۷۷)، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام: ترجمه و تحقیق از جلد ۴۳ بحار الانوار (ترجمه روحانی). ۱۰ ج. تهران: مهام.
۱۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق) بحار الأنوار (ط - بیروت). بیروت، چاپ دوم.
۱۶. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام. (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، جلد ۱۴.
17. Hochschild, A. R., & Machung, A. (۲۰۱۲). The Second Shift: Working Families and the Revolution at Home. Penguin Books.
18. Lakoff, George. Johnson, Mark; (1980) Metaphors we live by; Chicago: the University of Chicago Press.